



بوسیدن روی ماه



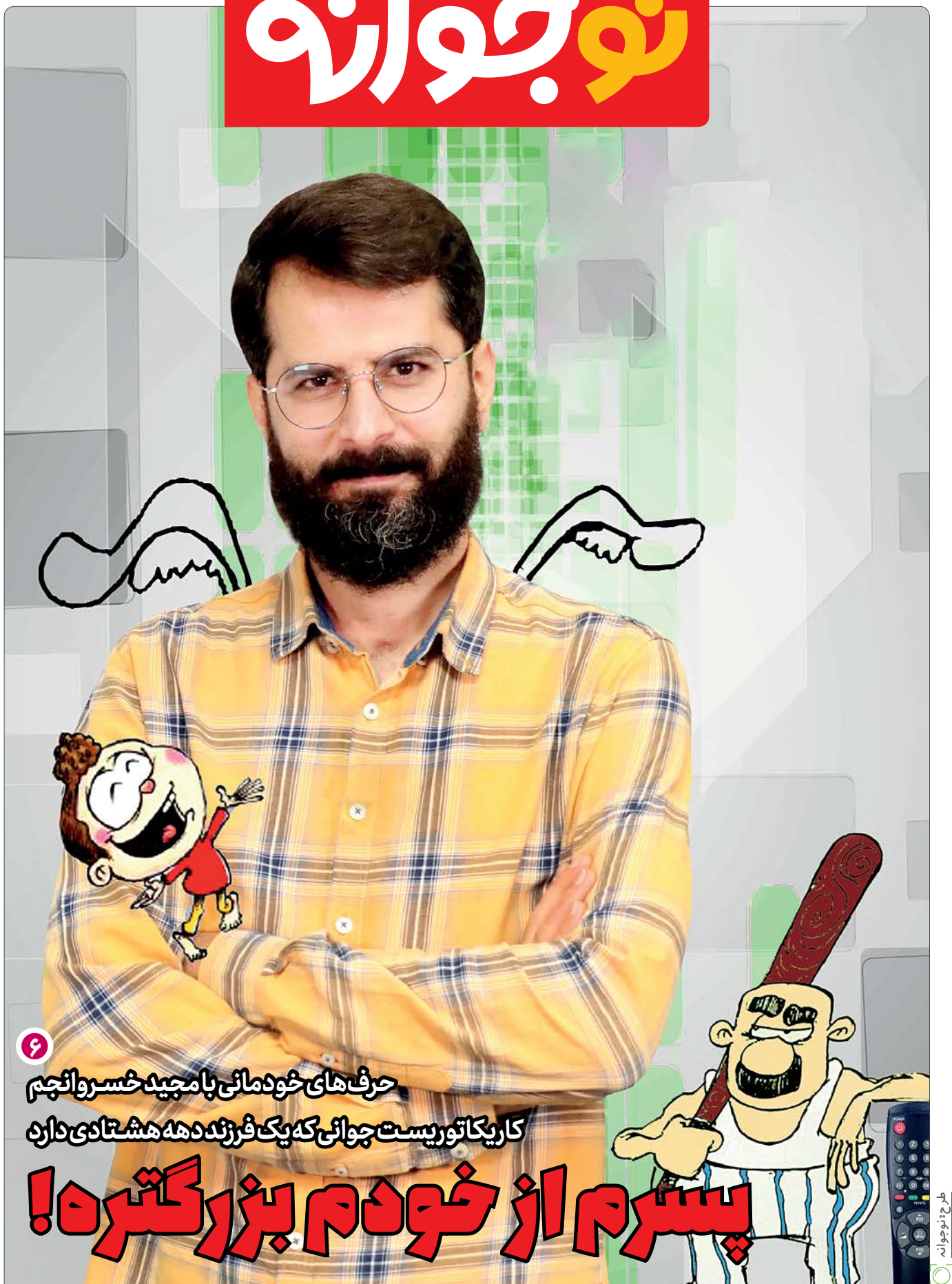
امپراتوری تاج و تخت



طولانی‌ترین شب
آتلاین



حکیم
نسخه کارخانه



حرف‌های خودمانی با مجید خسروانچم

کاریکاتوریست جوانی که یک فرزند دهه هشتادی دارد

پسرم از خودم بزرگتره!

بسم...

کلاغ پرا



حسین شکیب‌راد
دبیر «نوجوان»

وظایف ژورنالیست بودن که جان و مال و ناموس مردم کشور خودت برایت کم اهمیت تر از خرده فرمایشات سیاستمداران غربی و اروپایی و پولی که به جیبیت فرو می‌کنند باشد! خبر مجازات دروغگوترین به ظاهر خبرنگاری را که می‌شناختم؛ ذهنم را درگیر می‌کند. جابه‌جا کردن خبر که کار کلاغ است نه خبرنگار متعهد. آن هم کلاغی که رو سیاهی‌اش پیش چشم همه روشن بود. حتی همان‌هایی که امروز سنگش را به سینه می‌زنند و اسم او از دهانشان نمی‌افتد. امروز دیگر خبری از او نیست. چرا فقط یک خبر؛ کلاغ پرا!

روی جلد الباقی جریده‌ها، بقیه که سرو و کله شان پیدا می‌شود عینکم را به نشانه دقت بالا و پایین می‌کنم شاید کسی بفهمد اینجانب علاوه بر علاقمندی به مرور اخبار، خودم از جمله ژورنالیست‌های این کشورم. در دلم شادم که جهان بینی ام به اخبار فرق دارد. چون یک بار رسالت هم روی دوشم هست. البته نه از آن رسالت‌ها که باعث شود اطلاعات مملکت را دودستی تقدیم دشمنان کنی! نه از آن ماموریت‌ها که به جوان‌ها و نوجوان‌ها یاد بدهی چطور آتش بیار معرکه شوند موقع طغیان‌های بی سروته دی ماه ۹۶ یا آبان ۹۸ یا از آن

هفت صبح هر پنجشنبه مشتری اول دکه روزنامه‌فروشی سر چهارراه می‌شوم و چشم‌های پف کرده از کم‌خوابی ام را می‌اندازم به جان روزنامه‌ها. اشتباه نکنید؛ قبل از آن لااقل سه تا جام جم عزیز خریده‌ام که در دستم است و حالا فقط محض از دست ندادن جنجال ناشی از تیتراهای سایر مطبوعات چشم می‌گردانم